

سوال

دختری ۲۴ ساله هستم. بی‌پرده بگویم انسان پاک و پایبندی را دوست دارم، یک دوستی خالی از قرار و ملاقات. او به من وعده‌ی ازدواج داده و از آنجایی که شرایط مالی مناسبی ندارد از من خواسته تا منتظرش بمانم. پنهان نمی‌کنم که چند بار با من تماس گرفته اما از او خواستم که دیگر با من تماس نگیرد چون با وجود اینکه دوستش دارم اما به این کار راضی نیستم و احساس می‌کنم این محبت دارد وارد مسیر اشتباهی می‌شود. او نیز پذیرفت و به نظرم احترام گذاشت. اکنون او هر چند وقت یک بار از طریق اینترنت برایم پیام می‌فرستد تا از کارهایش مطلع باشم. یک سال از این موضوع می‌گذرد اما او اوضاع مالی دشواری دارد. من این شخص و خانواده‌اش را می‌شناسم و خانواده‌های ما رابطه‌ی خوبی با هم دارند و گواهی می‌دهم که او را در راه الله دوست دارم و مطمئنم او نیز همین احساس را در مورد من دارد اما مشکل من این است که تاکنون هشت خواستگار داشته‌ام که همه را رد کرده‌ام و پدرم از این کارم ناراضی است اما من منتظر او هستم. اکنون نمی‌دانم که آیا این کار من حلال است یا حرام؟ من الحمدلله نمازهای فرض و سنت و نفل را به جا می‌آورم و حتی نماز شب می‌خوانم و می‌ترسم که همه‌ی پاداش من از بین برود، بنابراین چه کار کنم؟ آیا دوست داشتن [یک مرد] کار پاک و عقیفانه‌ای است؟ و آیا این دوست داشتن من حلال است یا حرام؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

در آغاز از الله متعال برای شما توفیق و خوشبختی خواهانم و از او سبحانه و تعالی مسالت دارم که شما دختران حریص بر عفاف و پاکی را بیشتر کند؛ دخترانی که در همه‌ی امور خود به حدود الله پایبند هستند و از جمله مهم‌ترین این مسائل، روابط عاطفی است که بسیاری از مردم در زمینه‌ی آن سهل‌انگاری می‌کنند و در نتیجه حدود خداوند را زیر پا می‌گذارند و وارد دایره‌ی حرام می‌شوند و در نتیجه مبتلای مشکلاتی می‌شوند که امروزه می‌خوانیم و می‌شنویم و عبرتی است برای هر مسلمان و بلکه هر انسان عاقلی.

سپس این را بدانید که ارتباط و رد و بدل کردن پیام میان دو جنس یکی از دروازه‌های فتنه است و نصوص شریعت پر است از ادله‌ی وجوب احتیاط و حذر از افتادن در تله‌های شیطان، تا جایی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی دید جوانی دارد به دختری تنها نگاه می‌کند گردنش را برگرداند تا نگاهش از او دور شود، سپس فرمود: **پسر و دختر جوانی را دیدم و آنان را از شیطان در امان ندانستم** به روایت ترمذی (۸۸۵) **آلبانی در صحیح الترمذی آن را حسن دانسته است.**

برای همین کار خوبی کردید که ارتباط با این جوان را قطع کردید و امیدواریم این پیام‌ها هم قطع شود زیرا رد و بدل کردن پیام از بزرگترین ابواب فساد است که در این زمانه به روی مردم گشوده شده و در پاسخ به بسیاری از سوالات به این مساله اشاره کرده‌ایم. برای نمونه پاسخ به سوالات (34841) و (45668) را ببینید.

این البته به آن معنا حرمت این نیست که مرد یا زن به سوی شخصی گرایش داشته باشد و بخواهد او را به همسری خود برگزیند و نسبت به او احساس محبت و مودت و مانند آن داشته باشد، زیرا محبت یک امر قلبی است و بنا بر اسباب معلوم و غیر معلوم به قلب انسان راه می‌یابد اما اگر این محبت به سبب اختلاط یا نگاه حرام یا سخن حرام ایجاد شود خود نیز حرام است، اما اگر به سبب شناخت پیشین یا نزدیکی و خویشاوندی یا شنیدن درباره‌ی آن شخص باشد و انسان توانایی دفعش را نداشته باشد در این صورت این محبت اشکالی ندارد البته به شرط آنکه به حدود خداوند پایبند بماند.

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید:

اگر عشق به سببی غیر ممنوع به وجود آید صاحبش نکوهش نمی‌شود، مانند کسی که زن یا کنیزش را دوست دارد و سپس از او جدا شود و عشقش در وجودش باقی بماند؛ برای این مورد ملامت نیست و همینطور اگر ناگهان نگاهش [به زنی یا دختری] افتاد و سپس نگاهش را برگرداند اما عشق او بدون اختیار به دلش افتاد، در این صورت باید با آن بجنگد و دورش کند.

(روضة المحبین: ۱۴۷).

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید:

شاید انسان درباره‌ی زنی بشنوند که وی دارای اخلاق فاضل و علم است و در نتیجه راغب به ازدواج با او شود و همینطور زن شاید درباره‌ی مردی بشنود که دارای اخلاق نیک و علم و دین است و به وی راغب گردد، اما ارتباط این دو دوستدار به شکل غیر شرعی همان بلا است و همان برنده‌ی گردن و پشت است، پس در این حال حلال نیست که مرد با زن و زن با مرد ارتباط برقرار کند و به او بگوید که خواهان ازدواج با اوست، بلکه مرد باید به ولی زن این را بگوید یا زن به ولی خود این را بگوید که خواهان ازدواج با آن مرد است، همانطور که عمر - رضی الله عنه - دخترش حفصه را به ابوبکر و عثمان و - رضی الله عنهما - پیشنهاد داد، اما اینکه خودش مستقیم با آن مرد تماس بگیرد، این جایگاه فتنه است.

(لقاءات الباب المفتوح: ۲۶ / سوال ۱۳).

توصیه می‌کنیم حتما این پیام‌رسانی‌ها را متوقف کنید و به ایشان بگویید که اگر واقعا قصد ازدواج دارد باید شما را از ولی امرتان خواستگاری کند و شرایط مادی و غیره را مانع خود نداند چرا که قضیه ان شاءالله آسان است و کسی که به کم راضی شود خداوند از فضلش به او عطا می‌کند و آمدن ایشان به نزد شما حداقل با عقد شرعی باشد و اشکالی ندارد اگر

خود ازدواج به تاخیر افتد اما اینکه قضیه‌ی شما به نیت و عده‌ی ازدواج همینطور معلق بماند و سپس پیام‌رسانی بین شما ادامه داشته باشد، چنین کاری - به حکم شرع و واقع و تجربه‌ی متواتر - راهی اشتباه و دروازه‌ی گناه و فساد است. مطمئن باشید که سعادت را به دست نخواهید آورد مگر با طاعت الله سبحانه و تعالی و پایبند ماندن به حدود شرع وی و همیشه آنقدر راه مباح هست که انسان از حرام دوری گزیند اما این ماییم که حلال را بر خودمان تنگ می‌کنیم و در نتیجه شیطان ما را به تنگنا می‌اندازد.

تأخیر ازدواج زبانی عمیق برای شما خواهد داشت و چه بسا سن شما بالا برود و شرایط آن جوان مناسب نشود و نه با ایشان ازدواج کنید و نه با دیگری. از تأخیر در ازدواج برحذر باشید چرا که جز زیان چیزی ندارد و این را بدانید که چه بسا شاید یکی از همین خواستگارهایی که برای شما می‌آیند از نظر دین و پایبندی بهتر از آن جوان باشند و محبت و دوستی بیشتری بین شما شکل بگیرد.

والله اعلم